

~~CONFIDENTIAL~~
OUTWARD TELEGRAM

... LONDON

No 849.

Dated

24.5.51.

URGENT.

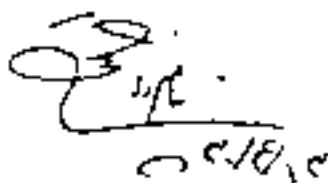
For L. C. Rice from N. R. Saddam.

Reference telegram No. 8468

FIRSTLY I am not entirely clear as to what steps Government could take to "act according to its legal duties" but it may well apply to Courts in Kurdistan, for an order of eviction against the Company for your information. Applications of this nature must be made in localities where immovables are situated. . . . That would thereafter also must remain problematical

SECONDLY of course informed British authorities of latest developments

THIRDLY As Ismaeil Abbas



پست هوایی^۱

بیست و پنجم می ۱۹۵۱ - محرمانه

سدان گرامی

از نامه های شماره یازده و پانزدهم (ماه می) شما سپاسگزارم. ما برامتی بسیار دلمان می خواست نتیجه تماس «پیرنیا» [منظور آقای دکتر حسین پیرنیامدیر کل نفت وزارت دارایی است] را در مورد امکانهای از سرگیری برای پیش پرداختهای ماهانه را بشنویم، که در نتیجه نامه آقای علاءادامه نیافت و قطع شد.

شاید نزدیکترین هدف ما این باشد که وضع کنونی ما تا آنجا که به جنبه های مالی عملیات ما مربوط می شود را حفظ کنیم و ممکن است که اگر یک تماس دیگر از نوعی که بدان اشاره رفت، بوسیله حکومت بعمل آید، ما بتوانیم آن را بعنوان یک وسیله آغاز مذاکره برای «اوپراندی» کارگیریم که کار تولید را قادر به ادامه یافتن کند؛ تا آنکه این بحث و فصل شود. همانطور که در نامه شماره ۸۰۴ خود گفته ام شما نباید بکوشید روی این خطوط یا خطهای دیگر مذاکره کنید. اما خواهش می کنم در صورتی که مسأله پیش پرداختها، بوسیله پیرنیا یا وزیر دارایی از نو مطرح شود، همچنان ما را از راهنماییهای خود ممنون کنید. من برای اینکه خبری در مورد خطوطی که ما داریم روی آن می اندیشیدیم داده باشم، برای آگاهی خصوصی شما، یادداشتی را ضمیمه می کنم و این یادداشت را بشکلی آماده کرده ایم که چنین ترتیب موقتی صورت بگیرد و درخواست وزیر دارایی را که پرداخت بیش از پرداختهای ماهانه باید از نو آغاز شود، شامل بشود.

امضاء^۲

۱. سند شماره ۵

۲. مترجم دولت، این چند کلمه را عیناً ترجمه کرده چون اصل سند در اختیارمان نیست عیناً نقل کردیم.

قطع ارسال لوازم یدکی

شرکت نفت سابق برای در فشار گذاردن دولت ایران و تعطیل پالایشگاه و سایر لوازم حفاری و صنعت نفت در خوزستان طرحی داشته که متأسفانه اسناد و نامه های آنها در دسترس مانیتست. تلگرام زیر نشان می دهد که رؤسای نفت در لندن از «دریک» سلطان بی تاج و تخت خوزستان می خواستند تا موجودی اشیای یدکی پالایشگاه و سایر دستگاهها و لوازم را بدانند، سپس در این باره تصمیم بگیرند:

تلگرام به آبادان^۱

شماره ۸۴۶۷-۲۶ می ۱۹۵۱

از سدان به دریک

عطف به تلگرام شماره ۳۱۱۲ شما، نظریات این جانب طی نامه ای اعلام خواهد شد.^۲

ضمناً موجب کمال امتنان خواهد بود اگر اطلاع دهید که مدت تقریبی قطع واردات که موجب کاهش وسائل عملیاتی خواهد شد، چقدر است؟

لندن، پست هوایی^۲

از: شرکت نفت ایران و انگلیس

شماره ۸۰۷ ۸۰۲ ۴۲۹ ۱۹۵۱

جناب آقای آن. ار. سدان - شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران - تهران سدان عزیز من

۱. سند شماره ۶

۲. بنظر می رسد که پیشنهاد قطع ارسال لوازم یدکی صنعت نفت در خوزستان بمنظور تعطیل سازمانهای صنعتی را «دریک» مدیر صنعت نفت آبادان کرده است. ای کاش روزی همه این اسناد کشف و منتشر می شد تا مردم ایران صاحبان اصلی سیه روزی ملت ایران و عقب ماندگی کشور را می شناختند.

۳. سند شماره ۷

CONFIDENTIAL

OUTWARD TELEGRAM

✓ 26/5/51

To: ABADAN.

No. 8467.

Dated 26.5.51.

For A.E.C. Drake from N.R. Seddon.

Referring to your telegram No. 3112
my comments follow by letter (.). Meanwhile I should be grateful
to know approximate period in which cessation of imports would reduce
stocks of vital commodities to a level which would affect operations.

Sent by :-
Information copy to:-

سند شماره 8467

D. I. 291



Recd 3/6

BRITANNIC HOUSE,

FINCHBURY CIRCUIS,

LONDON, E.C.2.

Mr. Seddon
The
Your

29th May, 1951.

My dear Seddon,

Many thanks for your letter No. 24 of the 20th May enclosing a copy of your letter No. G 101/29757 to the Minister of Finance protesting against the statement put out by the Iranian Embassy in Paris in which the Company was alleged to be involved in intrigues against the person of the Prime Minister.

We were glad to learn of the action taken by you and to read the account of your interview with the Finance Minister on this and other matters.

We shall be interested to know if an official denial was issued to the public.

Yours sincerely,

L. C. K. R.

N. S. Seddon Esq.,
Anglo-Iranian Oil Co. Ltd.,
TEHRAN

ضمن ابراز سپاسگزاری وصول نامه شماره ۲۴ مورخ ۲۰ ماه می به پیوست بهرونوشت نامه شماره گگ. ۲۹۷۵۷-۱۰۱ عنوان وزیر دارایی حاکی از اعتراض به اعلامیه سفارت ایران در پاریس که در آن شرکت نفت را متهم به شرکت در توطئه بر علیه شخص نخست وزیر کرده بودند، اعلام می دارد.

ماه پس از آگاهی از اقدامهای شما و اطلاع درباره مصاحبه شما با وزیر دارایی در این مورد خاص و سایر موارد، بسیار خرسند شدیم. ما با علاقه انتظار می کشیم تا ببینیم در این مورد بطور رسمی دولت این مطلب را تکذیب کرده و به اطلاع عموم خواهد رسانید یا خیر؟
با احترام. ل.س. رایس

يك گزارش ناقص

پیش از این گفتیم که اسناد، نامه‌ها و گزارشهای خانه سدان و اداره اطلاعات شرکت نفت، نامنظم در گونیهای متعدد ریخته شده است که تعدادی از آنها بدست ما رسیده است.

درین این اوراق مفشوش چهار قسمت از يك گزارش مهم است که متأسفانه قسمت دوم آن درین اسناد موجود بدست نیاوردیم، چون این سه سند، نخستین ملاقات بین وزیر دارایی و يك مقام دولت ایران پس از ملی شدن صنعت نفت ایرانند.

۱. باید دانست که روز ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ رئیس شرکت سابق در تهران به وزیر دارایی شکایت کرد که سفیر ایران در پاریس گفته است: دکتر مصدق از ترس سوء قصد از طرف عمال شرکت نفت به مجلس پناه برده است و تقاضا کرد دولت ایران این اظهارات تکذیب کند. وزیر دارایی چند روز بعد جواب داد که دکتر مصدق چنین تکذیبی نخواهد کرد. با اینکه هیأت مختلط انتخاب شده بود با این حال از روز ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ دکتر مصدق بعنوان نداشتن تأمین جانی و تهدیدی که از طرف فدائیان اسلام نسبت به او شده بود در مجلس شورای ملی متحصن شده و اظهار کرد که تا کار نفت تمام نشود از تحصن خارج نخواهد شد.

است، بنظر می‌رسد که گزارش تنظیم شده نسبتاً اهمیت دارد و باین که ناقص است، آن را نقل می‌کنیم:

التهران به لندن

شماره ۸۴۸۰-سی ۱ مه ۱۹۵۱م فوری

از ان. آر. مدان به: آل. سی. رایس

یا اشاره به تلگراف ۸۴۷۶ خود، آنچه در زیر می‌آید، تجدید ابلاغی است که بعد از ظهر وزیردارایی بامن کرده است و بارائه يك بادداشت که به گفت و گوهاش ضمیمه است.

وی کلامش را با این گفته آغاز کرد که قانون ملی شدن از حق حاکمیت ملت ایران در نفت جنوب [چند کلمه حذف شده] و شیوه بهره برداری از صنایع ملی سرچشمه می‌گیرد و در اجرای این قوانین، دولت ایران هدفی جز حفظ رفاه و آسایش ملت ندارد. به هر صورت در انجام این کار، هیچ قصدی برای صدمه زدن به حقوق کسی وجود ندارد. و ماده خاصی برای حفظ منافع مصرف کنندگانی که شرکت نفت با آنها داد و ستد دارد، در نظر گرفته شده است؛ چنانکه باملی شدن صنعت خسارتی به آن شرکت وارد آید، برای پرداخت غرامت پیش بینی لازم شده است. از این رو واضح است که دولت ایران بهیچوجه منظوری در مصادره اموال شرکت نفت و جلوگیری از فروش نفت به مشتریان سابق نفت را ندارد. وزیردارایی سپس مقرراتی را که برای اجرای قانون ملی شدن شش ماده‌ای باید انجام گیرد، اعلام کرد. پایان قسمت اول، قسمت دو و سه و چهار بعداً خواهد آمد.

CONFIDENTIAL

OUTWARD TELEGRAM

To: ... LONDON

No. 3460

Dated 30th Mar. 1951

URGENT

Per L.C. Rice from N.R. Sedgwick.

Referring to my telegram No. 3476 following is resume of communication made to me this afternoon by the Minister of Finance which he confirmed by handing me an aide-memoire (.). He began by saying the Nationalization Law was derived from the right of sovereignty of the Iranian nation in determining the method of utilization of national industries and that in implementing these Laws the Iranian Government had no object other than safeguarding the welfare and comfort of the nation (.). There was no intention whatever of damaging anyone's rights in so doing (.). A special provision had been made for preserving the interests of consumers whom the Company had hitherto been supplying (.). Provision had been made for due compensation to be awarded in the event that the nationalization of the industry caused any damage to the Company (.). Thus it would be clear that the Iranian Government did not in any sense intend to requisition the properties of the Company or to hinder the sale of oil to previous customers (.). The Minister then detailed the regulations that had been adopted for the implementation of the Nationalization Act under six headings (.). End of PART 1.
PARTS 2, 3, and 4 follow.

Sent by
Information sent to

CONFIDENTIAL

OUTWARD TELEGRAM

To: LONDON.

N .. 8480

Dated

30th May, 1951.

URGENT.

PART III BEGINS.

Finally the Minister stated that the general regulations of which he had informed me had temporarily commended themselves to the Government (.) Since the Government was anxious however that this important matter should be dealt with on the soundest possible basis and since it was anxious to benefit from the experience and knowledge of the A. I. O. C. the Government was prepared to take into consideration any proposals made by the Company provided they were not at variance with Quote the principle of the nationalisation of oil Unquote (.) The Company was asked to submit within 5 days any proposals Quote within the framework of the nationalisation laws Unquote.

END OF PART III.

Sent by :-

Information copy to:-

قسمت سوم

۸۲۸۰ تاریخ ۳۰ می ۱۹۵۱ - محرمانه - فوری

قسمت سوم شروع می شود. سرانجام وزیر دارایی اعلام داشت که مقررات عمومی را که قبلاً به اطلاع این جانب رسانده بود، مورد تأیید دولت نیز قرار گرفته است. از آنجایی که دولت نگران بود که این مسأله مهم بر اساس صحیح ترین وجهی هر چه زودتر مورد رسیدگی قرار گیرد و از آنجایی که دولت علاقه مند بود که از تجربیات و آگاهی شرکت نفت ایران و انگلیس استفاده کند، دولت حاضر شده که هر نوع پیشنهادی را از جانب شرکت نفت ارائه شود مورد توجه قرار دهد، مشروط بر اینکه این پیشنهادها منافاتی با اصل ملی شدن نفت نداشته باشد. از شرکت خواسته شده که در فاصله پنج روزی پیشنهادهای خود را در چهارچوب قانون ملی شدن نفت تشریح کنند. پایان قسمت سوم

قسمت چهارم: تلگراف از ایران به خارج

شماره ۸۲۸۰ - ۳۰ ماه ۱۹۵۱م - محرمانه، فوری

قسمت چهارم چنین شروع می شود

گزارش این جانب در مورد اعلامیه وزیر و مقررات پیشنهاد شده ممکن است، چندان دقیق بنظر نیاید؛ لیکن این گزارش عین واقعیتی است از آنچه وزیر گفته و با مراجعه به یادداشت رسمی که در این مورد تهیه شده صحت آن آشکار خواهد شد، و این مبین بر افکار متزلزل دولت است. و نحوه رسیدگی به این مسأله را نشان می دهد. بموجب دستور شما این جانب از اظهار نظر در مورد اعلامیه وزیر، خودداری کرده ام؛ ولی نمی دانم که رؤسای من بدان چگونه جواب خواهند داد؛ ولی نظر من این است که مهلت پنج روزه برای حل مسأله ای به این مهمی، مدت بسیار کمی است. و نمی توان

که مشکل به این بزرگی رادراین مدت حل کرد. من اینطور استنباط می‌کردم که شاید وزیر احتمالاً حاضر خواهد شد باتمدید این مدت موافقت کند، مشروط بر اینکه بنحو مناسب و شایسته ازوی تقاضا شود، هرچند که این جانب نمی‌توانم قبول این تقاضا را از طرف وزیر تضمین کنم. پایان پیام

۱. هر سه قسمت این گفت‌وگوها را مترجم دولت وقت ترجمه کرده است. چون ترجمه مترجم دولت کافی و رسا بنظر نمی‌رسد، برای اطلاع بیشتر خواننده گرامی یادداشت کوتاهی از این پیام راعیناً در زیر می‌آوریم:

در تاریخ ۵ خرداد رئیس هیئت مدیره شرکت سابق نامه‌ای در جواب نامه ۲۹ اردیبهشت وزیردارایی نوشته و اظهار نمود که هرچند شرکت تقاضای تعیین داور منفرد نموده است، ولی برای رعایت احترام دولت و همچنین به نمایندگی خود در تهران در پیچاره شدن (Richard Seddon) دستور داده است که در یک جلسه کمیسیون نفت حضور بهم رسانیده و پس از اطلاع از نظریات کمیسیون، مضمون آنرا به شرکت گزارش دهد. نامبرده روز ۸ خرداد با وزیردارایی ملاقات نمود و یادداشتی از مشارالیه دریافت کرد که به اداره مرکزی شرکت در لندن ارسال نماید. خلاصه مفاد یادداشت از این قرار بود که اقدام ایران در ملی کردن صنعت نفت مطابق با حق حاکمیت کشور و بمنظور تأمین سعادت ملت بوده و متضمن تجاوز به حق احدی نیست و بخصوص در دو مورد پیش‌بینیهای لازم شده است. یکی اینکه خریداران گذشته نفت ایران می‌توانند کماکان از ایران نفت خریداری کنند و دیگر اینکه برای تهیه وسایل پرداخت غرامت شرکت، دولت می‌تواند تا میزان ۲۵ درصد سودخالص فروش نفت رادربانک مرضی الطرفین تودیع کند، بنا بر این دولت ایران بهیچوجه قصد مصادره اموال شرکت سابق یا جلوگیری از فروش نفت خریداران گذشته رانداشته و برای تأمین حسن جریان اجرای قانون آیین‌نامه‌ای هم تنظیم کرده است. متن این آیین‌نامه به پیوست یادداشت دولت به نمایندگی شرکت تسلیم گردید و خلاصه مفاد آن از قرار زیر بود:

دولت برای اداره موقت شرکت ملی نفت ایران هیأت مدیره‌ای مرکب از سه نفر تعیین خواهد کرد که دارای کلیه اختیارات بوده و زیر نظر هیأت مختلط، امور شرکت را اداره کند. هیأت مدیره مادام که اساسنامه شرکت تنظیم نشده، روش شرکت سابق را ملاک عمل قرار خواهد داد مگر در مواردی که مغایر قانون ملی شدن صنعت نفت باشد. کلیه کارکنان شرکت اعم از ایرانی و بیگانه به خدمت خود ادامه خواهند داد و مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته خواهند شد. هیأت مدیره متهای کوشش را در تعقیب

CONFIDENTIAL

OUTWARD TELEGRAM

LONDON,

No. 8,80.

Dated 30th MAY, 1951.

URGENT.

PART IV BEGINS.

My report of the Minister's statement and the proposed regulations will probably appear to you to be far from precise but it is a true record of what he said as confirmed by reference to his aide memoire (.). It is indicative of the muddled thinking which has characterized the Government's approach to this whole problem (.). In accordance with your instructions I made no comments on the Minister's communication other than to say that I did not know how my principals would respond but that my view was that a period of five days was a very short one in which to deal with a problem of this magnitude (.). I got the impression that the Minister would probably be prepared to recommend an extension of this period if he were suitably approached though I cannot of course guarantee that such a recommendation would be accepted.

END OF MESSAGE.

دادگاه بین‌المللی لاهه

همه می‌دانیم که رفتن شادروان دکتر مصدق به دادگاه بین‌المللی لاهه و قضاوتی که از سوی قضات این مؤسسه عظیم بین‌المللی انجام پذیرفت در کار ملی شدن نفت ایران تأثیر بسزائی داشت.

قبل از نقل چند سند بدست آمده، توضیح کوتاهی درباره «داوری» در امر نفت را شرح می‌دهیم:

طبق ماده ۲۲ قرارداد امتیاز ۱۳۱۲ مینا بر این بود که هر گونه اختلافی که در اجرا یا تغییر مفاد آن پیش آید از راه «داوری» قطع و فصل شود و ماده ۲۶ مقرر می‌داشت که امتیاز قبل از انقضای مدت شصت سال خاتمه پیدا نخواهد کرد؛ مگر در صورت ترك آن از طرف شرکت یا بحکم داوری. ماده ۲۱ نیز دولت را از اقدام به لغای قرارداد یا تغییر يك جانبه دولت اعتراض نمود و متعاقب آن، روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ نامه‌ای از طرف رئیس هیأت مدیره شرکت نفت ایران انگلیس به دولت فرستاده شد به این مضمون که چون اقدام ایران به لغای یا تغییر يك طرفی مفاد قرارداد نقض تعهد می‌باشد شرکت تقاضای ارجاع امر به داوری و لورد کلیف^۱ را به داوری

→

برنامه‌های موجود و ازدیاد تولید بعمل خواهد آورد. هیأت مدیره به محض ورود به خوزستان اعلامیه‌ای خطاب به خریداران سابق نفت صادر خواهد کرد و اشعار خواهد داشت که آنها می‌توانند تا یکماه مقادیر عادی خرید خود را در مقابل رسید تحویل بگیرند و ضمناً با هیأت مدیره برای تعیین طرز پرداخت بهای نفت و همچنین ترتیب خریدهای آینده تماس بگیرند. در پایان یادداشت تسلیمی به نمایندگی شرکت اضافه شده بود که چون دولت مایل است ترتیب کار بطرز صحیح و متینی داده شود و از اطلاعات و تجارب شرکت سابق استفاده بعمل آید چنانچه شرکت مزبور پیشنهادهایی که مفایر با اصل ملی شدن صنعت نفت نباشد، داشته باشد دولت آنها را مورد توجه قرار خواهد داد؛ ولی نظر به فوریت امر اگر شرکت بخواهد چنین پیشنهادهایی تسلیم کند برای این کار فقط پنج روز مهلت خواهد داشت.

از طرف خود تعیین نمود و درخواست می کند که طبق ماده ۲۲ قرارداد دولت ایران نیز داور خود را معرفی کند. ولی دکتر مصدق که قرارداد ۱۳۱۲ را غیر قانونی می دانست به وارسته وزیر دارائی دستور داد که طی نامه ای به شرکت بنویسد: «ملی نمودن صنعت نفت ناشی از حق حاکمیت ایران است که طبق حقوق بین الملل مسلم بوده و هیچ قرارداد خصوصی مانع اعمال آن نمی تواند شد؛ استفاده از این حق قابل ارجاع به داوری نیست و هیچ مقام بین المللی صلاحیت قضاوت در چنین امری ندارد و چون دولت بحکم قانون ملی شدن صنعت نفت حاضر به پرداخت غرامت به شرکت نفت انگلیس می باشد، لازم است شرکت برای مذاکره در این باب نماینده خود را معرفی کند».

بدنبال این نامه، گرچه دولت ایران نمی دانست در برابر خلعید در آبادان و مناطق نفتی چه پیش خواهد آمد، با این حال به شرکت نفت سابق اطلاع داد که اگر در تحویل صنایع نفت همکاری نکنند، دولت ایران و هیأت مدیره موقت، رأساً بدین کار مبادرت می کند. بقیه ماجرا از نوشته یکی از نفتیها می آوریم:

«در تاریخ ۴ خرداد دولت انگلستان از عمل دولت ایران به دیواند گستری بین المللی در لاهه شکایت کرد؛ چنانکه در فصل سابق گفته شد یک روز قبل شرکت نفت انگلیس از رئیس همان دیوان تقاضای تعیین داور منفرد نموده بود و معلوم بود که این دو جریان در آن واحد انجام نخواهد گرفت و به احتمال قوی رسیدگی به شکایت دولت انگلستان مقدم خواهد بود. طبق ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین المللی که جامعه ملل تشکیل داده بود (و بعد از تأسیس سازمان ملل متحد نیز مفاد همان ماده با مختصر تغییراتی جزو اساسنامه دیوان جدید یعنی دیوان دادگستری بین المللی گردید) هر یک از دولتهای عضو جامعه ملل می توانست با صدور اعلامیه ای خود را متعهد کند که بدون لزوم عقد قرارداد خاصی صلاحیت اجباری دیوان مزبور را در رسیدگی به بعضی اختلافات که با هر یک از دولت دیگر که همین تعهد

را پذیرفته باشند پیدا کند، قبول خواهد نمود. انواع اختلافاتی که مشمول این ماده می‌گردید تحت چهار عنوان مقرر شده بود (که هنوز نیز به قوت خود باقی است). دولت انگلستان به استناد اینکه دولت ایران صلاحیت اجباری دیوان مزبور را قبول کرده بود و چون خود نیز صلاحیت دیوان را پذیرفته بود خود را محق می‌دانست که شکایت علیه ایران را در دیوان مطرح کند و موضوع آن را نیز منطبق با عنوان مذکور در بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان یعنی «هر یک از موضوعهای حقوق بین‌المللی» می‌دانست و مدعی بود که دولت ایران مرتکب يك عمل استنکاف از احقاق حق (denial of justice) شده است که خلاف حقوق بین‌المللی است. در تاریخ ۶ خرداد تلگرافی از دیوان دادگستری بین‌المللی به وزیر خارجه ایران رسید حاکی از اینکه دولت انگلستان عرض حالی علیه دولت ایران تسلیم و درخواست نموده است که دیوان پس از رسیدگی به موضوع اعلام کند که دولت ایران بایستی طبق ماده ۲۲ امتیازنامه تسلیم به داور شود و یا دیوان اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت را از لحاظ مغایرت آن با قرارداد امتیاز مخالف با حقوق بین‌المللی اعلام نموده و حکم صادر کند دایر بر اینکه دولت ایران نمی‌تواند امتیاز را لغو کند یا شرایط آن را تغییر دهد مگر در نتیجه تراضی یا شرکت و باید هرگونه خساراتی را که از اقداماتش متوجه شرکت نفت انگلیس شود جبران و رضایت کامل شرکت را فراهم نماید. وزیر خارجه در جواب این تلگراف اظهار نمود که دولت ایران دیوان دادگستری بین‌المللی را دارای صلاحیت نمی‌داند و پس از آنکه متن دادخواست شرکت برسد پاسخ مقتضی به آن خواهد داد.

در تاریخ ۱۰ خرداد به دولت ایران اطلاع داده شد که رئیس دیوان دادگستری بین‌المللی در مورد تقاضای شرکت نفت انگلیس دایر بر تعیین داور منفرد تصمیم گرفته است که چون دولت انگلستان در همان مسأله مورد تقاضای شرکت شکایتی به دیوان تسلیم نموده وی مادام که تکلیف شکایت مزبور معین نشده است نمی‌تواند اقدام به تعیین داور منفرد بنماید.

دولت ایران پس از مشاوره با کارشناسان حقوق بین‌المللی به این نتیجه رسید که: دیوان دادگستری بین‌المللی اصولاً صلاحیت ترتیب اثر دادن به عرض حال دولت انگلستان را ندارد و چون اختلاف مورد بحث بین یک دولت و یک شرکت خصوصی بروز نموده و حال آنکه فقط اختلافات بین دولتها در دیوان نامبرده قابل طرح می‌باشد و طبق حقوق بین‌المللی دولت انگلستان نمی‌تواند شکایت شرکت نفت انگلیس را بعنوان حمایت دیپلماتیک از تبعهٔ خود در دیوان بین‌المللی طرح کند، مگر در صورتی که شرکت به همهٔ مراجع قانونی موجود در ایران متوسل شده و مع ذلك نتوانسته باشد به حق خود یعنی دریافت غرامت نایل شود و حال آنکه شرکت با وجود دعوت و تأکید مکرر دولت ایران اصولاً حاضر نشده بود در باب تعیین غرامت با دولت اخذ تماس نماید. ضمناً دولت ایران اصل موضوع اعتراض دولت انگلستان را نا موجه می‌دانست و اظهار تعجب می‌کرد از اینکه چگونه دولتی که خود بسیاری از صنایع را ملی کرده است به خرید اجازه می‌دهد که نسبت به اقدام دولت دیگری در ملی نمودن یکی از صنایع خود متعرض شود.^۱

بهر حال، دولت انگلستان با شکایت به دادگاه بین‌المللی لاهه، دولت ایران را نیز بدان دادگاه کشانید. باینکه از روز عزیمت دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر و مشاوران ایشان و مشاور حقوقی فرانسوی به لاهه رفتند، تقریباً دو هفته طول کشیده؛ با این حال در بین اسنادی که از شرکت سابق بدست آمده در این باره گزارشها و نامه‌های جالب دیده نمی‌شود. تنها سه نامه و تلگرام روز اول ژوئن در بین اسناد ضبط شده موجود است که ترجمه آنها را در زیر می‌آوریم:

برجنانیک هاوس — میدان فینسبوری^۱ — لندن، ای.سی. ۲

شماره ۸۱۲ اول ژوئن ۱۹۵۱ پست هوایی، محرمانه

سدان گرامی.

اعلامیه زیر درباره درخواست شرکت نفت از رئیس دادگاه بین‌المللی برای تعیین یک داور بیطرف است که همین لحظه وسیله دستگاه خبرگزاری رویتر مخابره شده است.

داوری نفت ایران، لاهه، اول ژوئن.

یک اعلامیه وزارت امور خارجه ایران حکایت از درخواست شرکت نفت ایران و انگلیس برای انتخاب یک داور است، در اینجا [لاهی] نه تأیید و نه تکذیب شد. سخنگوی دادگاه در جواب پرسشی که از سوی خبرنگاران از او شده است گفت که: «اونمی تواند اظهار نظر بکند.»

با توجه به انعکاسهایی که این امر ممکن است در ایران داشته باشد ما داریم ترتیبی می‌دهیم که تا امشب اطلاعیه‌ای شبیه‌سطور زیر منتشر کنیم:

«شرکت نفت ایران و انگلیس اطلاعیه‌ای رسمی مبنی بر درخواست انتصاب یک داور بیطرف از دادگاه بین‌المللی لاهه دریافت داشته است. دادگاه همچنین یک درخواست مقدماتی از دولت بریتانیا دریافت کرده است، مبنی بر اینکه دادگاه باید ایران را موظف به تسلیم در برابر داوری کند.» [بقیه این تلگرام در صفحه دیگری است که در بین اسناد وجود ندارد]^۲

۱. سند شماره ۱۱

۲. در سالن عمومی تشکیل جلسات دادگاه لاهه، از سال ۱۹۵۱ تا به امروز صندلی‌ای که دکتر محمد مصدق نخست وزیر وقت هنگام طرح دعوی بر روی آن نشسته بود، کماکان نگهداری می‌شود.

۳. این سند وسیله مترجم دولت وقت ترجمه شده است.

اول ژوئن ۱۹۵۱

ان . آر . سدان

«... يك نکته مهم این است که این شناسایی رسمی از جانب رئیس دادگاه بین‌المللی، جریانی کاملاً طبیعی است و باید آنرا با توجه به این حقیقت انتظار داشت که تقاضای دولت بریتانیا همزمان ارائه شده است. البته پاسخ رئیس بهیچوجه حاکی از این نیست که همه تقاضای شرکت شده است. در تلگرام فوری که برای شما فرستاده می‌شود، آنچه را که امشب باید برای مطبوعات فرستاده شود، شماره را باخبر می‌کنیم. ارادتمند شما. محل امضا (ناخوانا)».

اول ژوئن ۱۹۵۱

سدان گرامی.

رئیس دادگاه بین‌المللی لاهه معتقد است که تقاضای دولت انگلیس چون ممکن است مورد اعتراض ایران قرار گیرد، لذا او نمی‌تواند در حال حاضر با این تقاضای شرکت [نفت سابق] رسیدگی کند.

رونوشت نامه رئیس شرکت به رئیس دادگاه بین‌المللی لاهه و پاسخ رئیس راطی نامه شماره ۸۱۴ برای شما ارسال خواهد شد.

نکته مهم این است که طبیعتاً رئیس دادگاه تقاضا به دادگاه بین‌المللی را قبول خواهد کرد و این امر جای تعجب نیست، زیرا تقاضای دولت انگلیس در همان زمان تسلیم شده است.

ضمناً پاسخ رئیس دادگاه بین‌المللی، دلیل جواب رد تقاضای انگلیس نیست.

بزودی تلگرافی برای شما ارسال خواهد شد و به شما خواهیم گفت که برای مطبوعات عصر چه مطالبی دربر خواهد داشت.^۱

اسناد آغاز خلع ید در آبادان

شرکت نفت انگلیس و ایران - بریتانیک هانس - میدان قینسبوری - لندن^۲
شماره ۸۱۱ - اول ژوئن ۱۹۵۱ - تاریخ دریافت شده، ۵ ژوئن، پست هوایی
آقای سدان *

شرکت نفت انگلیس و ایران - تهران
رونوشت: آقای «دریک» خرمشهر
آقای سدان عزیز:

مطالبی را که در نامه شماره ۴۲ مورخ ۲۴ مه و همچنین تلگرامهای شما به - شماره‌های ۸۴۷۲، ۸۴۷۷ عنوان شده بود؛ مادر اینجا با مشاورین خود در میان گذاشتیم تا خط مشی آینده خود را در قبال تصمیم دولت ایران که احتمالاً مایل به انجام خلع ید از کمپانی وارجاع مسأله به یک دادگاه محلی می باشد، روشن سازیم.

بنابراین نتایج حاصله از این مشورتها، ما اکنون آمادگی داریم که درخواست دولت ایران را برای ارجاع مسأله به یک دادگاه محلی قبول کنیم و این به عهده شماست که ترتیب لازم برای حضور در چنین دادگاهی را طوری فراهم آورید که بتوان کاملاً از عهده اعتراض به تصمیمات دولت ایران برآمد. و برای اطلاع شما باید گفت؛ به ما متذکر شده اند که در صورت چنین اقدامی امکان زیادی برای مداخله دادگاه بین المللی [لااه] در جهت حمایت کمپانی در برابر تصمیمات دادگاه محلی

۱. این دو تلگرام شرکت نفت، در لندن هر دو در یک زمان و تقریباً بایک مضمون شبیه بهم مخابره و در تهران تسلیم سدان شده است.

www.bakhtiaries.com

وجود دارد. ولی باید دانست که استفاده از این مرجع باید حتماً با دقت و احتیاط فراوان توأم باشد.

به نظر من، برای دفاع از کمپانی در دادگاه محلی نیز باید حتماً يك و كيل ایرانی انتخاب گردد و این موضوعی است که شما باید با «روحانی» در میان بگذارید، تا اگر چنین امری واقع شد، پیشاپیش آمادگی لازم را داشته باشید.

نامه شماره ۴۷ مورخ ۲۸ مه شما موقعی واصل شد که ما با مشاورین خود در مورد مسأله فوق بررسیهای لازم را بعمل آورده بودیم و در نتیجه، موفق به استفسار از نظریات آنان درباره نکاتی که شما در پاراگرافهای دوم و سوم نامه خود نوشته بودید، نشدیم. ولی بزودی پس از مشورت دوباره، در مورد این نکات طی نامه ای شمارا از نتیجه آن آگاه خواهیم کرد. ولی قبل از آن تلویحاً موافقت خودمان را درباره مطالب مندرج در پاراگراف سوم نامه اعلام می دارم و خاطر نشان می سازم که اگر دولت ایران عملیاتی را بر ضد کمپانی شروع کند، بهیچوجه عاقلانه نیست که کمپانی دست روی دست گذاشته و عکس العملی نشان ندهد.

دوستدار

ال. سی. رایس

از آبادان به : لندن و تهران

شماره ۳۱۲۱ تاریخ ارسال ۱۹۵۱/۶/۶ تاریخ دریافت ۱۹۵۱/۶/۷ فوری.

به : ای. اچ. او. ال کینگتون رونوشت به: ن. ار. سدان

از: ا. ای. سی. دریک

صبح چهارشنبه این جانب برای دیدار رسمی از آقای امیر علائی استاندار

۱. منظور آقای فؤاد روحانی است.

BP

Handwritten initials: *W. H. S. H.*

Bankers Trust
Finsbury Circus
London E C 2

1st June, 1951.

1st June

Mr. Bakhtiary

My dear Sir,

We have in consultation with Counsel the action
which should be taken in the event of the possibility foreseen
in your letter of 27th May, 1951, referred to in your
telexes Nos. 447 and 3477 - that is to say, the possi-
bility that the Persian Government may seek to bring an
eviction action against the Company in a local court -
should in fact occur.

As a result of our consideration of this question
we are clear that in the event of the Government serving a
writ on the Company for this purpose the Company should
accept service and that you should arrange for the represen-
tation of the Company in the local court in order to contest
the Government's action. For your information, we are
advised that it is just possible that in such a case the
International Court would grant interim protection for the
Company against the execution of the order of the local
court, and this is a step which we should have to consider
very carefully.

As to the choice of a lawyer to represent the
Company in the local court, I imagine that there is no doubt
that the Company should employ a Persian lawyer, and this is
a matter which you will naturally discuss with Counsel and
arrange on the spot if the occasion arises.

Your letter No. 67 of 25th May did not arrive
until after we had seen Counsel on this question, so that we
have not so far had an opportunity of obtaining their advice
on the points raised by you in paragraphs numbered 1 and 2
in your letter. I will write to you again in due course.

N. R. Seddon Esq.1st June, 1951.

www.bakhtiaries.com

as soon as we have discussed them with Counsel, but in the meantime you can take it that we agree with the opinion expressed in the paragraph numbered 3 that if the Government did bring an action against the Company it would be unwise for the Company to show no reaction.

Yours sincerely,

L. C. Rice

for the Company.

N. R. Seddon Esq.,
Anglo-Iranian Oil Co. Ltd.,
TEHERAN

Copy to A. E. C. Drake Esq.,
KHORRAMSHAHR.

جدید به اهواز پرواز کردم. ضمن مذاکرات دوستانه که بیش از یک ساعت بطول انجامید، بحثی از ملی شدن نفت پیش نیامد، اما این جانب توجه وی را به دشواریهای روز افزون کارگران در آغا جاری جلب کردم. البته این موضوع جدیدتر از آن است که در نامه شماره ۷۶۵ خود به آن اشاره کرده‌ام. به این معنی که عدم اطاعت روبه فزونی است و کارگران مورد حمایت فرماندار نظامی قرار گرفته‌اند و بر نامه‌های رادیو تهران نیز آنها را تحریک می‌کند. استاندار واقعاً نگران بنظر آمد و قول داد که فوراً اقدام کند. وی اظهار امیدواری کرد که شرکت نفت روابط دوستانه خود را با آنها در لحظه‌های تاریخی دشوار آینده ادامه دهد؛ این جانب نیز به ایشان اطمینان دادم که مناسبات ما با استاندار همیشه خیلی صمیمانه بوده است. ضمن گفت‌وگو از تهران به ایشان تلفن شد که بیست و پنج نفر از مقامهای دیگر از تهران به اهواز خواهند آمد و چند روز بعد به آبادان خواهند رفت. چهارده نفر از آنها قرار است تا هشتم این ماه به اهواز بیایند و بقیه فراز است تا نهم همین ماه [ژوئن (نیرماه)] وارد شوند.

تلگرام محرمانه به آبادان ۱

۱۸۴۹۷، ۷ ژوئن ۱۹۵۱ فوریت

این تلگرام برای ا. ای. اس. دریک و خصوصی است. از ان. ار. سدان

این جانب اطلاع بیشتری در موارد زیر لازم دارم:

الف. استعفای بیشتر کارمندان بعلت وضع موجود.

ب. تعداد پیشنهادها مبنی بر قبول و دریافت هزینه مجانی سفر خود و خانواده‌شان.

ج. اطلاعاتی از این قبیل بسیار مورد نیاز است. موجب امتنان است چنانکه این جانب را دقیقاً در جریان بگذارید.

CONFIDENTIAL

TRANSLATION OF TELEGRAM

FROM

... ..

Date despatched 7.54.

N. 311.

Date received 7.6.51.

Incident.

For E.H.O. Elkington & A.H.O. Drake
Repeat W.R. Sedho.

Wednesday morning I flew to Ahwas to pay formal call on Air
State now Governor General (...). In course of very friendly conversations
lasting over an hour we did not discuss oil nationalisation but I drew
his attention to rapidly deteriorating labour situation in Apha Jari
which appears rather more serious than indicated in my letter 1.765
with increasing disobedience and insubordination of labour supported by Military
Governor and encouraged by Radio Tehran broadcasts (...). Governor General
appeared genuinely concerned and promised immediate action (...). We
hoped Company would continue friendly relations with them during the
coming difficult period and I assured him our relations with Governor
General had always been most cordial. During interview he had a telephone
call from Tehran advising him that further 25 officials on the way to
Ahwas from Tehran and will be proceeding to Abadan within a few days
14 of above (the instant remainder due to arrive
9th instant).

-2-

Northcroft, Esq.

25th January, 1970.

...aps entirely unforeseen, which the answerer will
...cted to meet.

I think, therefore, that for what I will term the
...ible conversations of those to which you have
...rief other than the two Notes (last of the 1st
... enclosed with my letter No. 366 of the 10th
... should be used and then only after thorough study and
...ing. Particular attention should be given to the
...ing used therein, since looseness in verbiage may
...d serious misunderstanding and the subject (which is
...al document) merits and requires careful attention.

There is, of course, a great quantity of other
material already available for your personal guidance on any
special points as may not be clear to you from the above-
mentioned Notes, and I would particularly comment in connection
with the question of British taxation, the copy of the note
referred to in the last paragraph of your letter No. 47 of
the 8th December.

I fancy, however, that most of your enquirers, if
they genuinely want information for some favourable purpose,
would be content with, and perhaps more convinced by, the
plain facts set out in the attached statement which, coupled
with the conviction that there is no more to be gained by
delay (and possibly much lost) should in themselves form
the most practical and uncomplicated line of argument.

Please write me again if you find the Notes insufficient
for your purposes.

Yours sincerely,

H. C. Lewis

H. C. D. Northcroft, Esq., C.B.E.,
Anglo-Iranian Oil Co. Ltd.,
TEHRAN.

ENCLOSURE.

سند شماره ۱۵

پت هوایی - محرمانه

هشتم ژوئن ۱۹۵۱

سدان گرامی،

محض آگاهی شما، گزارش شده است که «پابکو» باشیخ بحرین به توافق رسیده است که آن شرکت باید يك مالیات وارداتی برنفت به جزیره بحرین^۲ بپردازد. یعنی تنی يك «روپیه» برای همه نفت خامی که از عربستان سعودی برای پالایش در پالایشگاه بحرینها وارد می شود.

می بینیم که تولید ۱۹۵۰ و واردات نفت خام بدین قرار بوده اند:

الف . تولید نفت خام «پابکو» ۶۳۷/۴۷۶/۱ تن.

ب . نفت خام وارد شده ۱۹۹/۰۷۹/۶ تن . جمع ۷/۵۵۵/۸۳۶ تن.

بر اساس پرداخت ار. اس. بعنوان حق الامتياز برای هر تن تولید (نفت) بحرین و مالیات بر واردات يك «ار. اس» برای هر تن نفت خام وارد شده، مجموعه پرداخت عوارض فوق، به ۲۰/۸۴۵/۵۶۹ «ر. س» در ۱۹۵۰، بالغ خواهد شد.

ارادتمند شما، امضاء

از: آبادان به لندن و تهران - فوری - محرمانه^۲

شماره ۳۱۲۸ - تاریخ ارسال ۱۱ ژوئن ۱۹۵۱ - تاریخ دریافت ۱۲ ژوئن ۱۹۵۱

از: دريك به سرویلیم فریزر - لندن

رونوشت به: سدان - تهران

عطف به تلگرام شماره ۳۱۲۷، نتیجه گفتگوهای یکساعته ما به قرار زیر است:

۱. سند شماره ۱۶

۲. باید دانست که نفت خام وسیله لولف زمینی و دریایی از خاک عربستان سعودی به جزیره «محرق»

بحرین وارد می شود و پس از پالایش به کشتی منتقل می گردد.

۳. سند شماره ۱۷

ANGLO-IRANIAN OIL COMPANY
LIMITED

TELEPHONE
BRITANNIC HOUSE, CENTRAL 7422
BRITANNIC HOUSE, BARKING 4375

TELEGRAMS
ANGLO-IRANIAN TOLSON LONDON
FORSYTH ANGLO-IRAN LONDON



O.A. REFERENCE
No. 325
YOUR REFERENCE

Recd 12/6

BRITANNIC HOUSE,
FINCHLEY CIRCUS,
LONDON, E.C. 2.

AIR MAIL

CONFIDENTIAL

24
24/6
25
6
21
8: June, 1951.

My dear Seddon,

For your information, it has been reported that Bapco have come to an agreement with the Shaikh of Bahrain whereby the Company is to pay an import tax of Rs. 1/- per ton on all crude oil imported into Bahrain from Saudi Arabia for processing in their Refinery.

We understand that the 1950 production and imports of crude oil were as follows:-

(a) Bapco crude production	1,476,637 tons
(b) Crude oil imported	6,079,199 tons
	<u>7,555,836 tons</u>

On the basis of a royalty payment of Rs. 10/- per ton on Bahrain production and an import tax of Rs. 1/- per ton on (b), the total payment on the above tonnages would amount to Rs. 20,845,569 for 1950.

Yours sincerely,

Robert Cook

N. R. Seddon Esq.,
Anglo-Iranian Oil Co. Ltd.,
TERRAN

استاندار، اعضاء «هیأت مدیره موقت» را به ما معرفی کرد. ولی ما در جواب گفتیم که نمی‌توانیم چنین هیأتی را به رسمیت بشناسیم؛ چون بر طبق دستورات واصله از هیأت مدیره کمپانی، ما مأمور به عملی برخلاف مواد قرارداد ۱۹۳۳ نیستیم. ولی می‌توانیم از آنها به عنوان مهمانان دولتی (نه بصورت اعضاء هیأت مدیره موقت) پذیرائی کرده، حتی ترتیب بازدید از تأسیسات پالایشگاه را برایشان فراهم کنیم. ولی متذکر شدیم که بهیچوجه قادر به تحمل مداخلات آنها در عملیات خود نبوده و جز اسنادی که بر طبق قرار داد نفت می‌توانیم در اختیار دولت بگذاریم؛ هیچگونه سندی از آرشیو محرمانه خود را به آنها نشان نخواهیم داد. که آنها نیز با کمال منانت این اظهارات را قبول کرده و توجه دادند که بایستی برای اخذ دستور از «کمیسیون نفت» کسب تکلیف کنند.

استاندار سپس از ما تقاضا کرد که ترتیبی برای اقامت این هیأت در طول یک ماه فراهم آوریم. ولی ما با کمال ادب از پذیرفتن این درخواست امتناع کرده و خاطر نشان ساختیم که تا از عدم مداخلات بعدی اعضاء این هیأت در کارها و اداره امور اطمینان حاصل نکنیم، از انجام چنین تقاضایی معذوریم.

بطور کلی مذاکرات ما با الحنی دوستانه جریان داشت و استنباط من این است که احتمالاً آنها به نتایج «مذاکرات تهران» چشم دوخته‌اند تا بعداً اقدامات خود را آغاز کنند. ولی پیشنهاد می‌کنم که بهتر است تا آن زمان ما همچنان ثبات رأی را حفظ کرده و جز در مقابل جبر و فشار (که امیدوارم هیچگاه پیش نیاید) موقعیت

۱. باید دانست که در تاریخ ۱۸ اردیبهشت، مجلس سنا در تاریخ ۲۲ اردیبهشت، مجلس شورای ملی طبق قانون ۹ ماده‌ای، نمایندگان خود را برای تشکیل هیأت مخطط به شرح زیر انتخاب کردند: از سنا دکتر منین دفتری، سروری، دکتر شفق، نجم‌الملک و سهام السلطنه بیات و از مجلس شورای ملی الهیار صالح، دکتر معظمی، مکی، اردلان، دکتر شایگان و مهندس حبیبی نیز بعنوان قائم مقام وزیر دارایی به عضویت هیأت منصوب شد. هیأت مخطط از روز ۲۳ اردیبهشت شروع بکار کرد.

استوار خود را از دست ندهیم.

در اثنای این مذاکرات، من مسائل مربوط به لزوم حفظ امنیت کمپانی را نیز تشریح کرده و بر این امر تأکید کردم که اگر مهمانان ما بخواهند با سخنرانیهای تحریک آمیز خود باعث ایجاد آشوب در بین کارگران کمپانی شوند، من برای جلوگیری از اغتشاش ناچار به دخالت خواهم شد. گزارش کامل این مذاکرات را بعداً در اولین فرصت ارسال خواهم داشت.

تهران - آبادان - کنگراف محرمانه و فوری^۱

شماره ۸۵۱۶-۱۵ ژوئن ۱۹۵۱

از «سدان» به «دریک»

شما هم اکنون گزارشهای روزنامه‌ها را در مورد اولین جلسه ملاقات ما با نمایندگان دولت ایران - که دیروز عصر انجام گرفته - دریافت کرده‌اید و در حال حاضر مشکل است بتوان مطالبی اضافه بر این اخبار به اطلاع شما رساند، جز آنکه: محور اصلی مذاکرات در این جلسه نیز بر مبنای همان نظرات سابق برای قبولاندن عایدات پرداختی به میزانی کمتر از آنچه توسط «هیأت مدیره موقت» بعنوان شرط لازم برای ادامه مذاکرات نفت عنوان شده، دور می‌زد.

روحیه حاکم بر جلسه مذاکره بسیار دوستانه بود و نمایندگان دولت ایران پیشنهاد نمایندگان کمپانی را دائر به تعویق مذاکرات تا روز یکشنبه ۱۷ ژوئن - که بخاطر کسب دستور و تعیین موضع خود داده بودند، فوراً قبول کردند.

مسائل مربوط به اداره امور تأسیسات کمپانی و موقعیت اعضای انگلیسی آن نیز مورد تبادل نظر قرار گرفت و بر طبق گفته وزیر دارایی؛ دولت ایران بشدت از

۱. سند شماره ۲۸

۲. منظور تقاضای دولت ایران برای دریافت صدی هفتاد و پنج عایدات نفت است که در مذاکرات تهران با میسیون «جکسون» مطرح شده بود.

CONFIDENTIAL

TRANSLATION OF TELEGRAM

... ABADAN/LONDON/TEHRAN.

N 3128.

Date despatched: 11.6.51.

Date received: 12.6.51.

سند شماره ۱۷

Mr William Fraser from A.E.G. Drake Reported R.R. Seddon.

See Reference by repeat telegram No. 3127 concluded discussion

after one hour (.). Governor General introduced members of Oil Managing

Committee _____ said we could not recognise them in that capacity since

we had no instructions from our Board to act otherwise than in accordance

with 1933 Concession (.). Ordinarily as official company guests

however and not as members of any Managing Committee we would arrange for

them to tour refinery but wanted them we had no authority to allow them

to enter refinery in any way with our operations nor to show them any

confidential records other than those to which Government were entitled

under Concession (.). They accepted this state of affairs quite calmly

and said they must talk to Oil Commission for further instructions (.).

Governor General then asked for further office accommodation during next

month but we politely refused until we could be satisfied that there

was no intention of interfering with our affairs or management (.).

Their visit is advisable throughout and I think they are probably marking time

until negotiations start in februn (.). In the meantime propose to maintain

above five attitudes until there is any question of access which we hope

there will not be (.). In course of discussion I mentioned question of

security and explained complexity of our affairs saying I should be

obliged if our visitors would refrain from making inflammatory speeches

to workers (.). Full report follows at earliest opportunity.

CONFIDENTIAL

OUTWARD TELEGRAM

N 8916.

Dated

15th June, 1951.

SECRET.

Mr A. E. C. Drake from K.R. Section.

You will already have had these reports of first meeting with Persian Government representatives yesterday evening (). There is little to add at present to these reports, meeting having been largely concerned with constantly reiterated demand for acceptance of proposed adjustment of proceeds less expenses to account of Provisional Board of Directors as prerequisite for continuation of discussions. () Strongly was made all Government delegates accounted with a view of summarising and suggestion of adjournment till Sunday, 17th instant, to allow Company delegation to consider their position, the question of authority of General Management and of position of British staff was raised but while Minister of Finance said Government has itself no objection to adjournment on 17th instant, he implied that a further meeting in Khuzestan would have to be held in order to complete negotiations here.

هر نوع ناآرامی در جنوب ممانعت خواهد کرد؛ و در ضمن خاطر نشان شد که فعالیت‌های آینده نمایندگان دولت در خوزستان بستگی تام به چگونگی پیشرفت مذاکرات در تهران خواهد داشت.

شماره ۸۵۱۶ - تاریخ پانزدهم ژوئن ۱۹۵۱ - فوری^۱

به: ا. ای. سی. دریک - از: ان. ار. سدان

شما پیشک گزارش مطبوعات را درباره نخستین اجلاس با حکومت ایران که غروب دیروز صورت گرفت، خوانده‌اید. در حال حاضر، تقریباً نمی‌توان چیزی به این گزارشها اضافه کرد، زیرا گفت‌وگو، بیشتر روی تقاضایی دورمی‌زده است که بارها تکرار شده؛ تقاضای پذیرش اصل پرداخت درآمدها با هزینه کمتر، به حساب هیأت مدیره موقت، بعنوان شرایط ادامه مباحثات. محیط ملاقات دوستانه بود، و نمایندگان حکومت با آمادگی‌ای که کمی حیرت‌آور بود، پیشنهاد مهلت تا سه‌شنبه هفدهم را پذیرفتند تا به نمایندگان شرکت اجازه دهد موضوع و موضع خود را بررسی کنند. مسأله اختیارات اداره عمومی و وضع کارکنان بریتانیا مطرح شد، اما ضمن آنکه وزیر اقتصاد^۲ گفت که حکومت، خود، بسیار مایل است از ایجاد انگیزه تشنج دوری کند، اشاره کرد که فعالیت‌های همقطاران در خوزستان، اصولاً به پیشرفت مذاکرات اینجا بستگی دارد.^۳

۱. سند شماره ۱۹۵

۲. آقای امیرعلائی استاندار خوزستان با داشتن سمت وزارت اقتصاد مأمور مذاکره با

نمایندگان شرکت سابق شده بود.

۳. ترجمه از مترجم دولت وقت.

فوری^۱

به: بی. ار. جکسون، رونوشت ان. آر. سدان

از: آ. ای. سی، دریک

رونوشت سر ویلیام فریزر - لندن

عطف بشماره ۳۱۳۲ و ۳۱۳۳ من، امروز چهارشنبه، متین دفتری، مکی واردلان، اعضای کمیته مختلط، در ساعت ۱۵ و ۱۱ دقیقه مرا خواندند و تا یک بعد از ظهر مذاکره کردیم، آنه‌یک نامه رسمی به من دادند که مضمون آن به شما تلگرام می‌شود؛ اما در آنای جلسه - که بر عکس اجلاس دیروز، فضایی بسیار دوستانه و غیر رسمی داشت درباره این نامه بحث نشد.

مادر باره روابط کارگران، مسائل مسکن و چه، و چه ... حرف زدیم و مکی پرسید آیا من او را در بازدیدی از محله‌های آبادان و دیدار از خانه‌های مسکونی شرکت در پیش‌دارم، همراهی می‌کنم یا نه؟

من مشتاقانه پذیرفتم و گفتم از اینکه چنین فرصتی پیش آمده خوشحالم تا به مکی و دیگران حقیقت واقعی را درباره آبادان نشان دهم، زیرا مکی ممکن است سوای آن چیزهایی را ببیند که در برخی از نطق‌هایش توصیف شده است. وی اعتراف کرد که این نخستین بازدید اوست.

دفتری پرسید آیا من حاضرم یک مباحثه خصوصی درباره تشکیلات عمومی شرکت با او انجام دهم؛ اشاره کرد که این درخواست از نامه رسمی که در بالا بدان اشاره شد، حذف شده است. من با این تقاضایم موافقت کردم؛ البته من دریک چنین گفت و گوهای دوستانه، احتیاط خواهم کرد.

گزارش بالا، که کمیته با دادن آن به مطبوعات موافقت کرده است بوسیله اداره اطلاعات به «استاکیل» تلگرام می‌شود.^۲

۱. سند شماره ۲۰

۲. ترجمه از مترجم دولت وقت.

پست هوایی^۱

شانزدهم مه ۱۹۵۱ - محرمانه

سدان گرامی

از نامه شماره ۷۵۵ شما دربارهٔ تغییر در شکل عناوینی^۲ که حکومت اکنون هنگام تماس با شرکت بکار می‌برد بسیار سپاسگزارم. از سه راه ممکن مقابله با این مشکل همانطور که در نامهٔ شما قید شده، با حمایت شما از (راه) سوم موافقت داریم. بنابراین ما مطابق درخواست شما به شما تلگراف کردیم. در تلگرام شماره ۵۷۴۸ خویش پیشنهاد کرده ایم که در وهلهٔ اول تنها شما باید به این صورت پاسخ دهید که: «چون نامه ظاهراً برای توجه شرکت منظور شده است، ما جواب می‌دهیم.»
 ماهمچنین پیشنهاد کرده ایم که شما باید چیزی بیفزایید مبنی بر اینکه هیچ تغییری در نام شرکت نفت ایران و انگلیس صورت نگرفته است.

اکنون که هیأت مختلط تشکیل شده است (عطف به تلگرامهای شماره ۸۶۴۷ و شماره ۸۶۵۷) رئیس، نایب رئیس و منشی بکارگمارده شده اند (عطف به تلگرام شماره ۸۶۵۹ شما)؛ ما باید اقدام اجرایی نسبتاً جدیدی را انتظار داشته باشیم، و طبعاً ما با کمال بیصبری در انتظار گامهای بعدی هستیم، چنانکه شما هم در همین انتظار خواهید بود.

۱. سند شماره ۲۱

۲. باید دانست که طبق بخشنامه‌ای که در تاریخ ۲۳ اردیبهشت از طرف نخست وزیر صادر شده بود در کلیهٔ ادارات و تأسیسات و فروشگاهها نام شرکت ملی نفت ایران جانشین نام شرکت نفت انگلیس و ایران گردید و از آن پس در مکاتبات و مکالمات هر وقت ذکری از شرکت اخیر پیش آمد، کلمه «سابق» به آن اضافه می‌شد.

۳. ترجمه از مترجم دولت.

از: آبادان به تهران رونوشت لندن

شماره ۳۱۵۲ - تاریخ ۱۹۵۱/۶/۲۰ - فوری

به: بی. آر. جکسون - رونوشت سرویلیام فریزر

از: ا. ای. سی. دریک

بسیار مایه حیرت است که امروز چهارشنبه، ظاهراً خوشبینی درخور ملاحظه‌ای در میان دو کمیته اینجا بچشم می‌خورد که به رغم رد شدن پیشنهادات شما در تهران هیچ قدمی برای ضربه زدن به جریان نفت برداشته نشده است. اشاره می‌شود که نخستین امتناع در ایران، اهمیت چندانی ندارد.

مکی هنوز وحشیانه دربارهٔ بستن شیرها [ی نفت] سخن می‌گوید؛ اما من امروز صبح با او مصاحبه کردم و پرسیدم آیا کمیته‌ها در بارهٔ پیشنهادی که من به آنها دادم نظری ندارند، و من باید مراقب باشم و ببینم کلیهٔ گذرنامه‌های انگلیسی، برای رفتن تنظیم شده است؟ این اقدام صرفاً محض احتیاط و در صورتی است که مکی ما را به زمین بزند؟ ترس آشکار آنها از چنین پیشنهادی، به بهترین وجه تشویق کننده است و من امیدوارم که مقاومت سرسختانه برضد هر گونه پذیرش قانون ملی شدن بوسیلهٔ شرکت، ما را قادر خواهد ساخت، دست کم برای مدتی عملیاتمان را ادامه دهیم.

در این میان سر کنسول به پیشنهاد من، دارد از مقامات محلی پرسش می‌کند که آیا یک روادید خروج که بجای ده روز معمولی سه ماه اعتبار داشته باشد، می‌توان ترتیب داد تا هرگاه مجبور شدیم برویم، از تعجیل آخرین دقیقه خودداری کنیم. این پیشنهاد - اگر شکست بخورد - ممکن است در تهران صورت بگیرد و باید تأثیر روحی عالی داشته باشد. از وقوف بر نقشه‌های شماسپاسگزار خواهم شد. امضاء سدان^۲

۱. سند شماره ۲۲

۲. اهمیت نقش آقای سیلحسین مکی در مبارزه با نفتیها و شہامت و شجاعتی که در این مسأله جاس و حیاتی داشت و وحشی که انگلیسهای نفتی از او داشتند از این تلگراف فهمیده می‌شود.

۳. ترجمه از مترجم دولت.

بیستم ژوئن ۱۹۵۱^۱

سدان گرامی

برای آگاهی شخص شما، من یک نسخه از نامه‌ای را که برای «سرگاری کوپر» فرستاده‌ام، ضمیمه می‌کنم. فکرمی‌کنم که اگر لندن با انتشار چندتا از اینگونه ارقام که من پیشنهاد کرده‌ام، موافقت کند، وضع ما آنجا که به اکثر مردم جهان مربوط می‌شود مطمئناً روشن خواهد شد. البته من تصدیق خواهم کرد که انتشار اینگونه ارقام، از قبیل آنهایی که من پیشنهاد کرده‌ام ممکن است از نظر سیاسی غیر عاقلانه باشد.

ارادتمند شما - امضاء

فرستاده شده از آبادان توسط بی سیم کنسولگری انگلیس^۲

تاریخ ارسال ۱۹۵۱/۶/۲۱ تاریخ دریافت ۱۹۵۱/۶/۲۲ فوری

به: سرویلپام فریزر - از: ا. ای. سی. دریک رونوشت ان. ار. سدان

«آنچه در زیر می‌آید، متن نامه‌های ۱۴۲، ۱۴۳ و ۱۴۴ به تاریخ اول ژوئن است که هیأت مدیرهٔ موقت امضاء کرده و به نام شخص من نوشته است.»

شمارهٔ ۱۴۲ چنین آغاز می‌شود:

«لطفاً به ادارهٔ مربوط به کارکنان دستور بدهید که تا آگاهی ثانوی از اعطای

مرخصی به کارکنان خودداری کند. همچنین به دکتر فلاح تلگراف کنید فوراً به -

خرمشهر بیاید و ورود خود را به هیأت مدیره موقت گزارش دهید.»

پیام شمارهٔ ۱۴۳: «باتوجه به این واقعیت که طبق تصمیم هیأت وزیران، از

این پس تصمیمات و دستورهای هیأت مدیره یا مدیر عامل شرکت نفت سابق قابل

۱. سند شمارهٔ ۲۳

۲. سند شمارهٔ ۲۴

اجرا نیست مگر آنکه این تصمیمها و دستورها راهبأت مدیره موقت امضاء کند. بدین لحاظ این تصمیم و شرایط رابه همهٔ مراکز و ادارات مربوط اطلاع خواهید داد.»

پیام ۱۴۴: «در تعقیب نامهٔ ۱۴۳ به تاریخ ۱۹۵۱/۶/۲۶ ما، لطفاً نظرات خود را دایر بر ادامهٔ خدمات خود در شرکت ملی نفت ایران کتباً گزارش دهید.»^۱

از: آبادان به تهران و لندن - محرمانه و فوری^۲

شمارهٔ ۳۱۴۱ تاریخ ارسال ۱۹۵۱/۶/۱۶، تاریخ دریافت ۱۹۵۱/۶/۱۷

به: بی.آر. جکسون رونوشت سروپلیام فریزر

از: ا.ای.سی. دریک

عطف به شمارهٔ ۳۱۴۰ من. در خلال سفرهای جمعه تقریباً متعجب شدم که با وجود کوششهای مکی، هنوز او نتوانسته شکایتهای واقعی، علیه شرکت از کارگزاران بدست آورد؛ و مکی باخنده پذیرفت که کارها بهتر از آنند که او تصور می کرد. امروز امیدوارم یک بحث خصوصی با مین دفتری انجام دهم، چسبون او منطقی ترین طرف ماست و محتاطانه باردیگر روی پیچیدگی صنعت [نفت] و اتکاء به منابع خارج از ایران تأکید خواهم کرد.

یکی از کمیته‌های اجرایی^۳، امروز اشاره کرد که کمیتهٔ هیأت پارلمانی^۴ ممکن

۱. ترجمه از مترجم دولت.

۲. سند شمارهٔ ۲۵

۳. پس از ملی شدن صنعت نفت در روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ که آخرین کارشناس انگلیسی، آبادان را ترک کرد و سیدحسین مکی موفق شد «خلع ید» را بدون حادثه انجام دهد؛ انگلیسها هیأت مدیرهٔ موقت نفت در آبادان را به نام «کمیتهٔ اجرایی» و هیأت مختلط پارلمانی نفت را «کمیتهٔ هیأت پارلمانی» می نامیدند و بدینوسیله از شناسایی «ملی شدن نفت» خودداری می کردند!

است اندکی بعد خوزستان را ترك کند. و پرسید آیا کمیته اجرایی می‌تواند این هفته از میدانها بازدید کند؟ من باین درخواست موافقت کردم، بشرطی که تابع برفرض شرایط باشد و از جمله رفتارشان بعنوان مهمانان شرکت باشد و هیچ سخنرانی آتشینی^۱ هم صورت نگیرد^۲.

از : آبادان به تهران و لندن^۳

شماره ۳۱۶۰ تاریخ ارسال ۱۹۵۱/۶/۲۱، تاریخ دریافت ۱۹۵۱/۶/۲۲

از : ا.ای.سی.دریک

به : آن.آر. سدان رونوشت به سر ویلیام فریزر

باعطف به تلگرامهایم به شماره‌های ۳۱۵۸ و ۳۱۵۹ محتمل بنظر می‌رسد که در ظرف چند روز آینده به من اطلاع داده شد که از خدمت شرکت ملی نفت اخراج شده‌ام؛ چون من نمی‌توانم هیچگونه وسیله‌سازی با اکثریت دستورهای هیأت-مدیره موقت بیابم بنحوی که با وظایفم در برابر شرکت نفت ایران و انگلیس وفق بدهد؛ در آن صورت شك نیست که به من دستور داده خواهد شد کشور را ترك كنم. من عملیات شرکت را تا آخرین لحظه ممکن تاجایی که به ایمنی جان [یک کلمه خوانده نشد] و توافقهای کارکنان باقی مانده، مربوط می‌شود، اجرا می‌کنم؛ مگر آنکه شما عکس آن را بخواهید^۴.

۱. در روزهای احتضار عمر شرکت نفت ایران و انگلیس در تهران و آبادان سید حسین مکی با نطقهای آتشینی که علیه نفتیها می‌کرد، یکی از مبارزان بزرگ بود و انگلیسها پیش از همه از او نفرت داشتند و وی را دشمن خود می‌دانستند.

۲. مترجم دولت این سند را ترجمه کرده است.

۳. سند شماره ۲۶.

۴. مترجم دولت این سند را ترجمه کرده است.

از: تهران به آبادان لندن

شماره اف. ار. ۷۰۶ و شماره ك. ا. ج. ار. ۲۱۲

به تاریخ بیستوسوم ژوئن ۱۹۵۱، فوری

تلگرام: وسیله سفارت انگلیس در تهران^۱ [!]

از: ان. ار. سدان به: ریاست شرکت رونوشت ا. ای. در بک

در مورد نامه واصله از جانب وزارت دارایی، من هیچ لزومی در دادن جواب به آن نمی بینم؛ ولی شخصاً در دو مورد ذیل را بصورت شفاهی به وزیر دارایی خاطر نشان ساختم:

اولاً اینکه؛ اجرای دستور دولت در مورد خروج دسته جمعی انگلیسها از آبادان، نباید به حساب میل قلبی و استقبال ما از اجرای چنین دستوری گذاشته شود و دولت ایران در ضمن، نباید این مسأله را برای خود اینطور تعبیر کند که می تواند هیچ وحشتی از بابت عکس العملهای ما در آینده نداشته باشد!

ثانیاً نه ما و نه هیچکس دیگر در خود این قدرت را سراغ ندارد که اعضاء کمپانی را - اگر مایل به کناره گیری و استعفا از کار خود باشند - به اتخاذ روش و یا موقع مشخصی جهت انجام این تصمیم وادار کند.

۱. سند شماره ۲۷

۲. از بیستم ماه ژوئن که شرکت نفت احساس کرد که در ایران قدرت شیطانی را ندارد و ممکن است تلگرافهایی که بین تهران و لندن مخابره می کند بدست دولت یفتد؛ تلگرافهای خود را وسیله بی سیم مخصوص سفارت انگلیس مخابره می کند. و حال آنکه طبق معاهده بین المللی وین بی سیمهای سفارتخانهها مخصوص کارهای سفارتخانه است نه شرکتهای وابسته به دولت آن سفارتخانه. این بی سیم از سال ۱۹۱۹ تاکنون در محل جنوبی سفارت مشغول بکار است.

CONFIDENTIAL

OUTWARD TELEGRAM

To: LONDON, ENGLAND

Dated 23rd June, 1951

V. S. 706.
Mr. 213.

URGENT

VIA ETASSI

For the Chairman Gen. ...
Repeated A. W. C. ...

Referenced letter from ... of ... I see no object
in replying to ... as I have pointed out to him orally
that ... cannot
be ... sees no
cause ... nor anyone
else ... they should resign
if ...

Sent by
Information

BY ...

D. L. 20

لندن - آبادان - تهران تلگراف محرمانه فوری

از طریق سفارت انگلیس (شماره ندارد) تاریخ ارسال : ۲۴ ژوئن ۱۹۵۱

از: «سدان» به: «رایس» رونوشت : به دریک

نکات مهم از ملاقات من با وارسته [وزیر دارایی] در روز ۲۳ ژوئن:

۱. وزیر دارایی مراتب ناخشنودی خود را از شکست مذاکرات نفت اعلام داشت.

۲. من، وخامت اوضاع درخوزستان را مطرح ساخته و تأکید کردم که ادامه این اغتشاشات ممکن است به کناره گیری دسته جمعی کارمندان انگلیسی و در نتیجه به توقف کامل تمام عملیات کمپانی منجر شود.

۳. وزیر دارایی از من جویا شد که چرا وعده استخدام اعضاء انگلیسی کمپانی بر طبق همان شرایط مشابه گذشته مورد قبول آنها واقع نشده است؟ و اظهار نظر من در این مورد، بدین صورت بود که: اعضاء انگلیسی کمپانی فقط بر طبق قراردادی برای «شرکت نفت انگلیس و ایران» کار می کنند. و لذا کمپانی نمی تواند به هیچوجه آنها را مجبور کند که کار فرمای خود را تعویض کنند.

۴. من عواقب وخیم توقف عملیات کمپانی را که بهر حال نتیجه ای جز وقوع بیکاری در مملکت نخواهد داشت، به او گوشزد کردم و در ضمن، از موقعیت موجود نیز استفاده کرده، نسبت به تعطیل اجباری اداره اطلاعات کمپانی در تهران، مراتب اعتراض خود را بیان داشتم و خاطر نشان ساختم؛ با اینکه ما بهر حال ملزم به پرداخت حقوق کارمندان و کارگران کمپانی در طول مدت تعطیل عملیات هستیم، ولی نباید از ما انتظار داشت که این وضع را برای مدت نامحدودی حفظ کنیم.

۵. وزیر دارایی قبول کرد که گذراندن قانون «ملی شدن صنعت نفت» علت اساسی بن بست در مذاکرات نفت بوده و در عین حال اظهار داشت که شخص نخست وزیر؟

(17)

CONFIDENTIAL

OUTWARD TELEGRAM

To: LOHDI/ALADA / (S. 111)

N

Dated

24th June, 1951.

URGENT VIA AIRMAIL

For Rice from Bechtel Report Office.

Following are main points of my meeting with Yarasteh June 23rd
FIRSTLY Minister expressed personal disappointment at failure of negotiations

SECONDLY I emphasized gravity of situation in Pakistan where continued interference could result in wholesale resignations of British staff and consequent stoppage of operations

THIRDLY Minister expressed my assurances to British staff of continued employment under identical conditions of service were unacceptable (.)

I observed that British staff were under contract to A. I. O. C. who had no power to compel them to leave their employer (.)

FOURTHLY I reiterated grave consequences of stoppage with resulting unemployment, etc. I took this opportunity to protest about the forcible closing of Information Department here in Tehran and said that while we should continue to pay staff and labour for a short while we could not be expected to do so indefinitely.

FIFTHLY Minister agreed that Nationalisation Law was main cause of deadlock but contended that Prime Minister alone could initiate modification of law

SIXTHLY Minister remarked that he had become post box for decisions of cabinet and mixed committee and he personally could predict no

Sent by :-
Information copy to:-

بتنهایی اختیار هر گونه حکم و اصلاحی را در چگونگی اجرای این قانون داراست.
 ۶. وزیر دارایی، اظهار کرد که شخص او تنها بصورت صندوق پست برای تبادل نظرات اعضا کابینه و کمیسیون مختلط انجام وظیفه می کند و شخصاً نمی تواند هیچگونه نظری راجع به ...

به: لندن - آبادان - تهران^۱

بیست و هشتم ژوئن ۱۹۵۱ شماره ۸۶۴۰

به: ای. اچ. او. الینگتون - از: ان. آر. سدان

رونوشت ا. ای. ماسون.

تلگرام شماره ۸۶۳۸ من در مورد کارکنان بریتانیایی، نخست آنکه در حال حاضر تعداد انگلیسها، در تهران ۲۲ مرد و ۹ زن و ۳ کودک است. با تأییری که از چهارم ژوئیه در نتیجه اولین مرحله برنامه بازگرداندن به انگلستان آغاز می شود تعداد آنان به ۱۵ مرد، ۷ زن، ۳ کودک تقلیل پیدا می کند. علاوه بر آنهایی که در تلگرام فوق من ذکر گردید، در این مرحله، گیبسون مهندس ساختمان و همسرش «داوی»، وابسته اداره اطلاعات و مهندس بولت راهم در برخواهد گرفت.

دوم آنکه تعداد کارکنان در مراکز توزیع استانی مشهد و اصفهان، هر کدام یک مرد وزن و در شیراز یک مرد است.

سوم آنکه هیچیک از ارقام بالا به دوشیزه وات و هفت پرستار آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی را شامل نمی شود.^۲

۱. متأسفانه بقیه این سند سوخته شده و یابدست ما نرسیده است.

۲. سند شماره ۲۹

۳. ترجمه از مترجم دولت.

سند ۳۰

لندن - آبادان - تهران^۱

شماره ۸۶۴۱ - تاریخ بیست و نهم ژوئن ۱۹۵۱

فوری - لندن - عادی - آبادان

به: ای. اچ. او. الینگتون - از: ان. آر. سدان

رونوشت. ا. ای. ماسون

از تلگرام شماره ۱۹۵ شما سپاسگزارم. بنظر می‌رسد که من تلگرام سابق شما را بدفهمیده‌ام و بسیار خوشحال خواهم بود. «ا. جی. وی. لیتندن» را نگهدارم تا پیشرفتهای بیشتری صورت گیرد. «بارید» میزداخلي است که اصلاً کارش ممیزی کردن اداره‌های استانهاست. او در شرایط کنونی نمی‌تواند خوب این کار را انجام دهد. و بنابراین من عقیده دارم برای حفظ او دلیل چندانی وجود نداشته باشد. من میل دارم «هنری» را به دلایل دیگری برکنار کنم؛ لذا از موافقت شما به تصمیم درباره این دو مرد، که طبق نقشه رهسپار لندن هستند، ممنون هستم^۲.

از: لندن - آبادان - تهران^۲

شماره ۷۱۹۸ - تاریخ ارسال ۵۱/۶/۲۹ تاریخ دریافت ۵۱/۶/۳۰ - فوری

از: ا. جی. اچ. ماتیو به: ا. ای. ماسون

رونوشت ان. آر. سدان

ممنون خواهم شد^۳ اگر شما ثابت کنید که همه اتباع بریتانیایی اکنون به میهن بازگردانده شده‌اند، جز تهران. اگر چنین اتباعتی در کرمانشاهان مانده‌اند،

۱. سند شماره ۳۰.

۲. ترجمه از مترجم دولت.

۳. سند شماره ۳۱.

۴. ترجمه تقریباً تحت‌اللفظی است.

شماره و اسامی را تلگراف کنید؛ در صورتی که تاریخ قطعی مورد نظر است برای اقدام، به آدرس آبادان تلگراف می‌شود.^۱

از: آبادان به تهران^۲

شماره ۵۳۶ - ۳۰ ژوئن ۱۹۵۰ - پست هوایی - محرمانه

فورت کرافت گرامی

اجلاس عمومی سالانه «کرنول» اکنون صورت گرفته است بطوری که ارقام و اطلاعات قید شده در گزارش را می‌توان اکنون علنی شده، دانست.

اما مشاهده خواهید کرد که گزارش منتشر شده، شامل جزئیاتی دربارهٔ پرداختها به حکومت نیست و اشارات انتشار یافته به امید شرکت به برخورداری از مالیات سبکتر در صفحه‌ای قید شده است. ارادتمند شما - امضاء

سند ۳۳

از: آبادان به تهران^۳

شماره ۱۰۵ تاریخ ارسال ۳۰ ژوئن ۱۹۵۱، تاریخ دریافت ۳۰ ژوئن ۱۹۵۱ - فوری

به: «استاکیل» از: «فائلز پرسرب»

نخست آنکه دیروز صبح هیأت نمایندگی ایران دفتری، اردلان، بازرگان، علی - آبادی، بیات، معظمی به جنرال افس رفتند و اداره آنرا بدست گرفتند.^۴

۱. ترجمه از مترجم دولت.

۲. سند شماره ۳۳

۳. سند شماره ۳۳

۴. روز ۲۰ خرداد ۱۳۳۰ هیأتی به ریاست جکسن به تهران آمد تا با دولت ایران دربارهٔ نفت مذاکره کند. گرچه می‌گویند آمدن این هیأت برای مذاکره بهانه بوده و هدف اصلی بردن شصت چمدان اسناد گرانبهای شصت سالهٔ نفت ایران بوده است؛ با این حال همان روز که هیأت وارد تهران شد، هیأت مختلط نفت در آبادان به دفتر مرکزی شرکت در خرمشهر (جنرال افس) رفتند و تابلو «ریاست شرکت» به انگلیس را از روی در «دریک» برداشته بجای آن تابلو «هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران» را نصب نمودند.

درمقابل این امر «ماسون» که با کارکنان انگلیسی این اداره را ترک گفتند.

دوم آنکه، هفت نکنسین ایرانی چهارشنبه وارد شدند تا کارهای فنی شرکت ملی نفت ایران را که به اداره آنها منصوب شده اند، به عهده بگیرند.
سوم آنکه، کشتی «ماریلتوس» دیروز صبح در آبهای عراق^۱ مقابل با وارده لنگر انداخت.

چهارم آنکه، کارکنان بریتانیا دیروز باتفاق آراه به شرکت ملی - که آماده نبود - آگاهی داد، پیشنهاد استخدام را نمی پذیرند.

دولت انگلستان به حمایت از شرکت نفت که در واقع یک شرکت نیمه دولتی این کشور است، روز ۲۳ اردیبهشت در اثر فشار محافظه کاران و مستعمره چیان انگلیسی اقدام به تهدید آشکار علیه مردم و دولت ایران نمود:

«گروه چتر بازان مستقل را به حال آماده باش در آورده است. بدنبال این تهدید در تاریخ ۲۴ اردیبهشت سفیر انگلیس به دولت ایران رسماً اعلام نمود که دولت متبوعه اش عمل ایران را در مورد شرکت یک اقدام غیر دوستانه نسبت به خود تلقی می کند و اضافه کرد که دولت ایران چون تعهد کرده است که امتیازنامه را لغو نکند نمی تواند بعنوان اعمال حق حاکمیت مبادرت به چنین اقدامی نماید، بلکه بایستی هر گونه اختلاف موجود را از راه داوری حل کند و چون شرکت نفت انگلیس و ایران تبعه انگلستان است و دولت انگلستان صاحب اکثریت سهام آن می باشد، علی هذا دولت انگلستان ناچار است از آن شرکت حمایت و دفاع کند. طرز عمل نشان می داد که دولت انگلستان می خواست به وسیله عملیات تهدید آمیز دولت

۱. هنگامی که خبر تهدید نیروهای زمینی و دریایی انگلیس از عراق به تهران رسید، وزیر خارجه ایران به سفارت عراق رسماً اعتراض کرد؛ و چرا دولت عراق به دولت انگلستان اجازه می دهد که در آبهای ساحلی عراق نیروهایی به منظور تهدید ایران جمع کند. ولی دولت عراق ترتیب اثری به این اعتراض نداد؛ در عین حال از طرف مردم عراق تظاهراتی بر له ایران در بصره صورت گرفت.

ایران را وادار به تغییر روش و کنار آمدن یا شرکت نفت انگلیس کند. در تعقیب این سیاست دولت مزبور در تاریخ ۳ خرداد اعلام نمود که ۴۰۰ چتر باز انگلیسی با تجهیزات کامل جنگی در ظرف ده روز به مدیریت آنه شرقی فرستاده خواهند شد. یک ماه بعد یعنی ۴ تیر، رزمناو موریتوس (Mauritius) و چند روز بعد دو کشتی دیگر موسوم به رن (Wren) و فلامینگو (Flamingo) به آبهای مجاور ساحل ایران اعزام شدند. در اوایل مرداد چهار کشتی جنگی انگلیسی در جلو آبادان خود نمایی می کردند و تعداد کشتیهای جنگی انگلیس در ناحیه خلیج فارس به ۹ فروند رسید که بعد از جنگ دوم بیسابقه بود؛ ولی با وجود اعزام این نیروها که هیچ با وضع موجود متناسب نبود، دولت انگلستان در حقیقت قصد مبادرت به عمل شدید علیه ایران نداشت؛ زیرا از طرفی نمی توانست طبق قوانین و رسوم بین المللی چنین عملی را توجیه کند و از طرف دیگر بیم از آن داشت که هر گونه عمل تجاوز آمیز باعث بروز مخاطراتی از ناحیه دولت شوروی شود.»^۱

چون دولت انگلیس نتوانست در جزیره آبادان نیرو پیاده کند و دولت آمریکا نیز خطر این عمل را گوشزد کرد و لذا به دولت کارگری فشار آمد تا گزارش جامعی به پارلمان داده شود. محافظه کاران و مستعمره چیان انگلیسی که امیدوار بودند خوزستان را از ایران جدا کنند، چون با شکست مواجه شدند، هرا هانتی که می توانستند به دولت و حزب کارگر می کردند چنانچه:

روز ۲۹ خرداد موقعی که وزیر خارجه راجع به جریان میسیون جکسن و عدم موفقیت آن بیاناتی در پارلمان ایرادی کرد، بغتاً یکی از نمایندگان محافظه کار یک سکه یک پنی روی میز، جلوی او پرتاب کرد. در انگلستان مرسوم است که گداها زیر پنجره عمارات با سازهای مختلف آهنگهایی می نوازند و وقتی شنونده از تکرار یک آهنگ خسته شود، یک سکه یک پنی پایین می اندازند و معنی آن این است که آهنگ را عوض کن.

دخالت مستقیم در همهٔ مؤسسه‌ها، دخالت مستقیم انگلیسها در ایران

با اینکه همهٔ مردم ایران و حتی جهانیان می‌دانستند که سازمان شیطانی شرکت نفت ایران و انگلیس و سیاست استعماری بریتانیا در ایران پایان یافته است، با این حال سفارت انگلیس و کنسولگریهای آن دولت در ایران (با وجود قوانین صریح دیپلماسی که همه‌گونه فعالیت مستقیم خارجیان را در کشورها منع می‌نماید و دیپلماتها فقط از مجرای وزارت خارجه حق مکاتبه و گفتگورا دارند). با این حال انگلیسها همچنان دخالت در امور داخلی و سیاسی مملکت را علنی و بدون پروا ادامه می‌دادند. دخالت‌های آنان بدانجا کشانیده شده بود، که مستقیماً با مقامهای مملکتی تماس می‌گرفتند و خواسته‌های خود را به آنان دیکته می‌کردند.

طبق دوسندی که در زیر می‌آید، سر کنسول انگلیس در خرمشهر، از وزیر اقتصاد ملی و مأمور فوق‌العادهٔ دولت ایران در خوزستان می‌خواهد، که جلوتظاهرات ضدانگلیسی مردم را در این استان بگیرد.

جالب است که این وزیر ایرانی ضمن پاسخ مؤدبانهٔ خود، با قاطعیت می‌گوید که احساسات ملی مردم را نمی‌توان بی‌بازی گرفت و یاسیر آن را بنحو ساختگی تغییر داد و به سر کنسول انگلیس یاد آور می‌شود هر گونه خواهسته‌ای که مربوط به کار شرکت سابق نفت و دولت ایران باشد، بایستی از طریق وزارت دارایی صورت گیرد، یعنی جناب سر کنسول اصولاً حق ندارد در زمینهٔ اینگونه مسائل با مقامهای ایرانی گفتگو کند، چه رسد به اینکه دستورهایی هم صادر کند. متن این نامه و پاسخ آنها که در پروندهٔ محرمانه‌ای در خانه سدان یافت شده به شرح زیر است:

کنسولگری دولت انگلیس - خرمشهر

مورخه ۱۳۳۰/۳/۲۱

جناب آقای امیر علائی

در تعقیب مذاکرات دیروز مخصوصاً چند نکتهٔ اضافی هست که دوستدار مابیل است

بنظر جنابعالی برسانم و خواهش می‌نمایم که آنرا مورد دقت قرار دهند.

دیروز این جانب تأکید نمود بر اهمیت اینکه نبایستی اجازه داده شود که نطقهای هیجان انگیز و بویژه نطقهای ضد بیگانگان در حوالی محل ایراد شود. هر چه از این بحران کنونی ناشی شود، باز هم همکاری دوستانه بایریتانیا برای ایران اهمیت عظیم دارد و بیان این نوع نطقهایی که این جانب بدانها اشاره کرده‌ام فقط تخم دشمنی را در میان عوام می‌افشاند.

انتشار این نوع تبلیغات اگر هم حقیقتی در آنها باشد، نا مطلوب است. این حقیقت که این تبلیغات ساختگی هستند آنها را بیشتر غیر قابل تحمل می‌سازد. در این خصوص توجه جنابعالی را به آن نطقهایی که کراراً در خارج اداره فرمانداری و اداره شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران ایراد می‌شود، جلب می‌نماید. و خواهشمند است دستور دهند که این نوع نطقها ممنوع گردد.

شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران حاضر است بامورین ایرانی همکاری بنمایند. وبدون همراهی آنها اجراء قانون ملی نمودن غیر عملی است. این مطلب کاملاً جداست از اعتراضات دیگری که ممکن است مانسبت به قانون نامبرده داشته باشیم، لذا این هم مقرون به مصلحت ایران و هم مصلحت شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران است که حس دوستی در میان طرفین حکمفرما باشد، نه خصومت.^۱

احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد، سر کنسول دولت پادشاهی انگلستان - کوپر

پاسخ امیرعلائی

در تاریخ بیست و پنجم خرداد ۱۳۳۰ آقای امیر علائی وزیر اقتصاد ملی و مأمور فوق‌العاده دولت ایران و خوزستان، به شرح زیر به سر کنسول بریتانیا در خرمشهر پاسخ داد:

«آقای سر کنسول دولت پادشاهی انگلستان»

وصول نامه مورخه ۱۳۳۰/۳/۲۱ جنابعالی را بدینوسیله اعلام می‌دارد.

اینکه در صدر ناممزمز بور مرقوم فرموده‌اید: «نبایستی اجازه داده شود نطقهای هیجان‌انگیز و بویزه نطقهای ضد بیگانگان در حوالی محل داده شود». متذکر می‌شوم که در نطقهایی که در پاسخ ابراز احساسات مردم شده است، چیزی ضد بیگانگان نبوده است و سخنرانیها عموماً چاپ‌شده و صرفاً در مقابل احساسات ملی مردم اشاره اظهار امتنان شده و در خاتمه ناطقین مردم را به حفظ نظم و آرامش دعوت نموده‌اند.

اشاره فرموده‌اید که: «همکاری دوستانه با بریتانیای کبیر برای ایران اهمیت عظیم دارد و بیان نطقها فقط تخم دشمنی میان عوام می‌افشاند». در این موضوع ما تردیدی نداریم که همکاری و دوستی دو ات انگلستان برای ما ذیقست بوده و در آینده نیز این دوستی و همکاری برای ما مفید است، ولی سخنرانیهایی که تا بحال شده است نه تنها تخم دشمنی بین عوام نمی‌افشاند، بلکه نطقهای مزبور برای تخفیف دادن حرارت عامه و جلوگیری از بیتابی آنان در انتظار اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بوده است.

مرقوم رفته است که انتشار این نوع تبلیغات اگر هم حقیقتی در آنها باشد، نامطلوب است و این حقیقت که این تبلیغات ساختگی هستند، آن را بیشتر غیر قابل تحمل می‌سازد. در ذکر این نکته ناگزیر است که اظهار تأسف نمایم که جنابعالی تبلیغات و با احساسات عمومی را ساختگی تلقی می‌فرمایید و حال آنکه ابراز این احساسات نه تنها ساختگی نیست، بلکه خواستهٔ منطقی و طبیعی وجدانی ملت ایران است و این انتساب به مردم ایران کاملاً نارواست و اگر این تبلیغات برای جنابعالی غیر قابل تحمل است؛ برای ملتی که در فقر و بدبختی می‌سوزد و حق خود را مطالبه می‌کند، عادی و طبیعی است؛ تقاضا شده است که دستور داده شود «نطقها ممنوع گردد». برای استحضار خاطر عالی اشعار می‌دارد که هیچگاه برای سخنرانی یا اجتماع دعوتی از مردم نشده، بلکه چون موقع ورود این جانب و نمایندگان هیأت نظارت و هیأت مدیرهٔ موقت مأمور اجرای ملی شدن نفت به آبادان استقبال بی‌سابقه بعمل آمد، و مردم ابراز احساسات نمودند، از طرف این جانب و اعضاء هیأتها